گزارش یک

شهرداری چشم به خانه وقفی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران اصفهان دارد

شیر بی‌یال و دم و اشکم

سمیه قنبری

۳۵سال پیش یکی از روزنامه‌نگاران اصفهانی قبل از مرگ وصیت کرد تا در حیاط منزل خانه‌اش به خاک سپرده شود؛ منزلی که به‌عنوان اولین خانه موزه ایران برای انجام فعالیت‌های فرهنگی، هنری و روزنامه‌نگاری توسط مالکش «امیرقلی امینی» وقف شد. تا پس از ۳۰سال فعالیت روزنامه‌نگاری چراغ خانه‌اش همچنان برای روزنامه‌نگاران اصفهانی روشن باشد. خانه‌ای زیبا به سبک معماری سنتی که در سال ۱۳۱۹ توسط هنرمندان اصفهانی ساخته شد و سال‌ها ایوان و حیاطش با سروهای سر به فلک‌کشیده پاتوق روزنامه‌نگارانی بود که ساعت‌ها در مهتابی خانه می‌نشستند از زمین و زمان با هم صحبت می‌کردند؛ روزنامه‌نگارانی که خاطرات سال‌های جوانی خود را در لابه‌لای کاشی‌ها و نقاشی‌های دیوارهای حیاط و سقف بنیاد امیرقلی امینی به امانت گذاشته‌اند. اما این روزها ساکنان جدید وقتی هنگام ورود به حیاط از کنار قبر صاحب خانه عبور می‌کنند، آدم‌های غریبه‌ای هستند که بنیاد امیرقلی امینی برای آنها شاید تنها یک خانه فرسوده قدیمی است که بهتر است شهرداری آن را مانند ده‌ها خانه تاریخی دیگر خراب کند و به‌جای آن پاساژ و آپارتمان بسازد.

آذر ۱۳۷۸ گروهی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان اصفهانی به‌منظور پیگیری مطالبات خبرنگاران و روزنامه‌نگاران انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان را تاسیس کردند؛ انجمنی که با وجود صاحب خانه‌بودن چندسالی است خانه به دوش شده است و گویا هیچ‌کس نیست که مطالبات آنها را پیگیری کند. فضل‌الله صلواتی یکی از قدیمی‌ترین روزنامه‌نگاران و نویسندگان اصفهانی که از سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۴ همکاری‌اش را با مرحوم امیرقلی امینی و نوشتن مقالات انتقادی در روزنامه اخگر آغاز کرده است، درخصوص انجمن می‌گوید: «با توجه به وصیت مرحوم امینی منزل ایشان با اسباب و وسایل برای تبدیل‌شدن به بنیاد فرهنگی وقف شد. پس از تاسیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران با توجه به وقفنامه با همکاری مجید زهتاب مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت دفتر انجمن در بنیاد فرهنگی امیرقلی امینی مستقر شد.»

تا قبل از انتخاب آقای سقاییان‌نژاد به‌عنوان شهردار اصفهان فعالیت انجمن طبق روال عادی انجام می‌شد اما پس از مدیریت ایشان بر شهرداری اصفهان انجمن برای فعالیت با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو شد. صلواتی درخصوص کارشکنی‌های شهرداری می‌گوید: «بخشی از فضای بنیاد امیرقلی امینی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی در اختیار اداره فرهنگ و ارشاد و بخشی در اختیار انجمن بود اما با تغییر مدیریت شهرداری برخلاف وقفنامه گروه‌های دیگری در بنیاد مستقر شدند؛ گروه‌هایی که فعالیت‌های آنها بیشتر جنبه سیاسی داشت تا فرهنگی.

صلواتی معتقد است: نیروهای امنیتی نیز با شهرداری در ایجاد محدودیت‌ها همکاری داشتند. با ورود این گروه‌ها محدودیت‌ها برای انجمن بیشتر شد تا جایی که شهرداری با این عنوان که قصد بازسازی و مرمت بنیاد را دارد از ورود اعضا و هیات‌مدیره انجمن به داخل بنیاد ممانعت کرد و عملا اکنون حدود سه‌سال است که دفتر انجمن توسط شهرداری اصفهان تعطیل شده است.

صلواتی می‌گوید: شهرداری طی دولت نهم و دهم با ایجاد محدودیت‌های مختلف در واقع انجمن صنفی روزنامه‌نگاران اصفهان را به قول مولوی به «شیر بی‌یال و دم و اشکمی تبدیل کرده است که عملا قادر به انجام هیچ کاری نیست» و دلیل این اتفاق نبود مدیریت قوی و مقتدر در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی است زیرا مدیران ارشاد در زمان دولت احمدی‌نژاد با این توضیح که نمی‌توانند هزینه بازسازی بنیاد را تامین کنند، عملا همه اختیارات را به شهرداری واگذار کردند.

علی راعی رییس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان اصفهان نیز با بیان اینکه اقدام شهرداری درخصوص تعطیلی دفتر انجمن با توجه به نیت واقف برای استفاده فرهنگی و مطبوعاتی از منزل خلاف شرع، قانون و عرف است، می‌گوید: در حالی شاهد این رفتار شهرداری اصفهان هستیم که مدیریت شهری طی سال‌های گذشته تلاش کرده وجه فرهنگی قابل قبولی از خود نمایش دهد. اما اقدام شهرداری در تخلیه دفتر انجمن و ممانعت از ورود اعضا به داخل بنیاد به‌خوبی بیانگر تفکر جناحی و نگاه سیاسی شهرداری اصفهان به فعالیت‌های صنفی است.

راعی با اشاره به اینکه شهرداری در برخورد با تشکل‌های صنفی نگاه کاملا سیاسی و حزبی دارد، می‌گوید: حدود سه‌سال قبل گروهی تحت عنوان انجمن نخبگان استان زیر نظر استانداری شروع به فعالیت کردند اما گویا به دلایلی بین این انجمن و استاندار وقت آقای علیرضا ذاکراصفهانی اختلاف‌نظرهایی پیش آمد، در این زمان با توجه به اختلاف‌هایی که بین شهرداری و استانداری اصفهان وجود داشت، شهرداری از این انجمن حمایت و بر خلاف وقفنامه بنیاد امیرقلی امینی بخشی از بنیاد را برای فعالیت در اختیار انجمن نخبگان قرار داد در واقع با ورود انجمن نخبگان شخص شهردار تصمیم خود برای تعطیلی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را عملا اجرا کرد. راعی در پاسخ به این پرسش که اقدام انجمن برای بازگشت به‌بنیادامیرقلی امینی چیست، می‌گوید: طی دوسال گذشته بارها در جلسات حضوری یا از طریق نامه‌نگاری با معاون هماهنگی امور مناطق و سازمان‌های شهرداری اصفهان پیگیر موضوع شدیم اما تاکنون هیچ پاسخی از سوی شهرداری دریافت نکرده‌ایم.

راعی می‌گوید: در حالی مرمت و بازسازی بنیاد امیرقلی امینی توسط شهرداری حدود سه‌سال است به طول کشیده که سالانه بودجه شهرداری اصفهان حدود یک‌هزارو۴۰۰میلیاردتومان است؛ بودجه‌هایی که از جمع کل بودجه‌های دستگاه‌های اجرایی استان بیشتر است و۹۷درصد آن توسط شهروندان پرداخت می‌شود. اما همه شهروندان اصفهانی حق استفاده از این بودجه را ندارند.

صلواتی می‌گوید: هرچند با وجود همه کارشکنی‌های شهرداری چراغ انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان اصفهان هنوز روشن است، اما مانند این است که این چراغ در نور روز روشن باشد. با وضعیت موجود هرچند جلسات انجمن به‌طور منظم ماهانه در دفاتر روزنامه‌های استان برگزار می‌شود، اما این نور نمی‌تواند روشنگر و هدایت‌کننده‌باشد.

مگر اینکه شعار اعتدالی که آقای روحانی عنوان کردند، در استان اصفهان هم شنیده شود و مسوولان با یک چشم به همه نگاه کنند و بپذیرند که همه ما فرزندان حکومت و ملت هستیم.

وقتی پیگیری‌ها برای شنیدن نظرات شهرداری اصفهان بدون نتیجه ماند و رییس انجمن طی تماس تلفنی عنوان کرد که شهرداری خواسته تا انجمن صنفی روزنامه‌نگاران درخصوص وضعیت بنیاد امیرقلی امینی که خانه قانونی انجمن است اظهارنظر نکند، یادداشت باستانی‌پاریزی درخصوص مرحوم امینی را که سال‌ها قبل در یکی از نشریه‌های انجمن منتشر شده بود در ذهن مرور شد: «چنانکه می‌دانیم روزنامه اخگر از کودتای ۱۲۹۹ شمسی به مدیریت وزیرزاده شروع و تا سال ۱۳۰۷ شمسی به‌صورت کجدارومریز منتشر می‌شد و از این سال به بعد مرحوم امینی آن را منتشر کرد که تا سال ۱۳۲۲ شمسی که قوام‌السلطنه همه روزنامه را تعطیل و درواقع یک کودتای کاغذی کرد، این روزنامه هم تعطیل شد.» و امروز پس از ۷۲سال که از تعطیلی اخگر می‌گذرد، شهرداری اصفهان خانه و قبر صاحبخانه را توقیف کرده است.

۳۰ سال

خانه امیرقلی امینی ۳۰ سال مقر فعالان روزنامه نگاری در اصفهان بوده است

۱۴۰۰ میلیاردتومان

سالانه بودجه شهرداری اصفهان حدود یک‌هزارو۴۰۰میلیاردتومان است؛ بودجه‌هایی که از جمع کل بودجه‌های دستگاه‌های اجرایی استان بیشتر است

امیرقلی‌امینی
تولد :۱۲۷۶ه.ش
وفات :۱۳۵۷/۳/۵
متولد سال ۱۲۷۶،اصفهان، در اثر جدیت و پشتکار موفق به ارایه خدمات فراوان و تالیف آثار ارجمند شد و در حیطه‌های روزنامه‌نگاری ترجمه و فعالیت‌های سیاسی و امور خیریه‌ای بسیار فعال بود.

۹۷ درصد

۹۷درصد بودجه شهرداری اصفهان توسط شهروندان پرداخت می‌شود. اما همه شهروندان اصفهانی حق استفاده از این بودجه را ندارند

۷۲ سال

امروز پس از ۷۲سال که از تعطیلی اخگر می‌گذرد، شهرداری اصفهان خانه و قبر صاحبخانه را توقیف کرده است

گزارشگر «شرق» در همه جای ایران باشید

سوژه‌ها و گزارش‌های خود را برای ما به ایمیل sharghline@sharghdaily.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۴۶۹۹ پیامک بزنید یا با ۸۸۶۴۰۲۶۰ تماس بگیرید. «شرق» با کمک شما خواندنی‌تر می‌شود.

گزارش دو

مشکلات تغییر اسم در ثبت‌احوال مردم را گرفتار کرده است

تلاش برای همسان‌سازی هویت‌ها

بنفشه پورناجی

مدتی است تغییر برخی نام‌ها، دیگر نیازی به مراجعه به دادگاه و محاکم قضایی ندارد و افرادی که واجد شرایط تغییر نام هستند، می‌توانند با مراجعه به ادارات ثبت‌احوال در مدت‌زمان نسبتا کوتاهی، برای تغییر نام خود اقدام کنند. اما ثبت‌احوال به چه افرادی اجازه تغییر نام می‌دهد؟ به گفته مدیر کل اسناد هویتی سازمان ثبت‌احوال، ثبت‌احوال امکان تغییر نام‌های دارای معانی بد و مستهجن، مغایر با جنسیت فرد و اسامی خارجی را فراهم کرده، اما ممکن است افراد بدون داشتن این شرایط نیز درخواست تغییر نام داشته باشند.

وقتی کسی برای تغییر نام به اداره ثبت‌احوال مراجعه می‌کند، در ابتدا بسته به اینکه متقاضی تغییر نام زن یا مرد باشد، یک جزوه چاپی قطور را که متشکل از اسامی قابل تغییر است در مقابلش قرار می‌دهند. در این جزوه‌های دوجلدی که در یک جلد آن اسامی خانم‌ها و در جلد دیگر اسامی آقایان درج شده، در مقابل هر اسم، اسامی مجاز به تغییر ثبت شده است. اسامی مذهبی خانم‌ها مانند فاطمه، زهرا، طاهره، زینب و... و اسم‌های مذهبی آقایان از قبیل محمد، علی و... در این جدول تغییر نام‌ها جایی ندارند. از آنجا که فرهنگ داشتن دو نام (یکی نام شناسنامه‌ای و دیگری نامی که فرد به آن شهرت دارد) در ایران امری رایج است، بخش عمده متقاضیان تغییر نام در کشور را گروهی تشکیل می‌دهند که می‌خواهند نام شناسنامه‌ای آنها به نامی که از کودکی به آن اشتهار دارند، تغییر یابد. البته عمده اسامی شناسنامه‌ای افراد دارای دو نام، اسامی مذهبی است که طبق قوانین ثبت‌احوال، اجازه تغییر به آنان داده نمی‌شود. یکی از کارشناسان سازمان ثبت‌احوال، فهرستی چندصفحه‌ای را نشان می‌دهد که اسامی شناسنامه‌ای متقاضیان تغییر نام به همراه اسم جدید درخواستی در آن نوشته شده است. او می‌گوید: «هر چند هفته یک بار، جلسه‌ای در ثبت‌احوال برگزار می‌شود که درخواست متقاضیان تغییر نام در آن بررسی می‌شود.» به گفته این کارشناس، ثبت‌احوال وارد علت درخواست تغییر نام متقاضیان نمی‌شود اما بر اساس اسامی که از قبل به‌عنوان اسامی مجاز به تغییر اعلام شده، اگر فردی خواستار تغییر نام خود باشد، بدون نیاز به مراجعه به دادگاه، فرآیند تغییر نام از سوی ثبت‌احوال صورت می‌گیرد. او در مورد متقاضیان تغییر نام‌های مذهبی می‌گوید: «ثبت‌احوال تغییر نام‌های مذهبی را قبول نمی‌کند» و در حالی که به فهرستی که در دست دارد، اشاره می‌کند، ادامه می‌دهد: «همان طوری که می‌بینید، اسم این متقاضی زهرا است که درخواست وی افزودن اسم نازنین به ابتدای آن و تغییر آن به نازنین‌زهرا بوده که با تقاضای او موافقت نشده است.»

حسن یکی از متقاضیان تغییر نام است که ثبت‌احوال با تغییر نام وی مخالفت کرده. او با اعتراض به این روند می‌گوید: «اینکه هر کس باید حق انتخاب نام خود را داشته باشد، جزو اصول بدیهی و مسلم است و نباید در این مورد اجباری صورت گیرد.»

کبری و اعظم از دیگر مراجعان به ثبت‌احوال هستند. در مرحله قبل از دریافت فرم تغییر نام هستند و هر دو ناامید از پذیرش خواسته‌شان. چون می‌گویند که این اسامی عربی است، امکان تغییر آن بعید به نظر می‌رسد. اما کارمند ثبت‌احوال می‌گوید اسامی عربی منعی برای تغییر ندارند و تنها اسامی مذهبی را نمی‌توان تغییر داد.

جواد، مراجعه‌کننده دیگری است که می‌خواهد به اول نامش محمد را اضافه کند که مورد موافقت ثبت‌احوال قرار می‌گیرد. نفر بعدی زکیه است. او می‌گوید:«از کودکی نامم را در شناسنامه زکیه گذاشته‌اند، اما در خانه سهیلا صدایم می‌کردند. ثبت‌احوال با تغییر نام زکیه مشکلی ندارد، اما جالب اینجاست که تنها می‌توانم از اسامی پیشنهادی این سازمان به‌جای زکیه استفاده کنم؛ در حالی‌که من خواستار تغییر نام شناسنامه‌ای‌ام به نامی هستم که از کودکی مرا با آن صدا می‌زنند.»

به گفته مدیرکل اسناد هویتی سازمان ثبت‌احوال کشور، «برخی درخواست تغییر نام‌های ایرانی را مطرح می‌کنند که در آن صورت باید نام فرد به اسامی دارای فراوانی بیشتر تغییر کند. به‌عنوان مثال اگر فردی تقاضا دارد که نام سوگل یا سیمین را تغییر دهد، باید اسامی ایرانی دارای فراوانی بیشتر یا اسامی مذهبی را جایگزین کند.»

چرا فردی که خواستار تغییر نام شناسنامه‌ای خود به نامی است که از کودکی والدین، اقوام، دوستان و... او را به آن نام صدا می‌زنند، باید طبق مقررات ثبت‌احوال، تنها اسامی دارای فراوانی بیشتر - و نه نام خود- را جایگزین کند؟ زکیه در این مورد می‌گوید: «به نظر من، هر ایرانی بعد از رسیدن به سن بلوغ باید بتواند اسم خودش را در صورت تمایل تغییر دهد و اجبار در این مورد عاقلانه به نظر نمی‌رسد.» اما به اعتقاد کارشناسان حقوقی سازمان ثبت‌احوال، حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها ایجاب می‌کند که بدون دلیل قانونی و به صرف سلیقه افراد تغییری در آن حاصل نشود.

عزیزه دختری حدودا ۲۰ساله است. او از کارمند ثبت در مورد امکانپذیربودن تغییر نامش می‌پرسد. کارمند به جزوه اسامی نگاهی می‌اندازد و پاسخ مثبت می‌دهد و فهرستی از اسامی را در مقابلش قرار می‌دهد که در مقابل اسم عزیزه نوشته شده است. عزیزه می‌گوید: «این اسم را والدینم هم در شناسنامه‌ام گذاشتند، هم مرا با این نام صدا می‌زنند، اما من این اسم را دوست ندارم.» او با نگاهی به اسامی پیشنهادی ثبت‌احوال، سرانجام اسم عسل را انتخاب می‌کند و خواستار تغییر نامش از عزیزه به عسل می‌شود.

به نظر می‌رسد تعداد افرادی که همچون عزیزه از اسمشان راضی نیستند و خواهان تغییر نامشان به اسامی غیر از اسم خود هستند، نسبت به افراد دواسمی که خواستار تغییر اسم شناسنامه خود به اسمی که از کودکی به آن شهرت داشته‌اند، کمتر باشد. اما مشکلات افراد دواسمی با وجود تسهیلات سازمان ثبت‌احوال همچنان باقی است.

پیمان می‌گوید: «اسم شناسنامه‌ام حسین است که به دلیل تشابه نام و نام خانوادگی‌ام با یک مجرم که اتفاقا در محله ما سکونت دارد و همین امر هم مشکلاتی را برایم ایجاد کرده، برای تغییر نام به ثبت‌احوال مراجعه کردم اما متاسفانه با تقاضایم موافقت نشد.» او با اشاره به اینکه از ابتدا راه را اشتباه رفته و باید از همان اول به دادگاه مراجعه می‌کرده، ادامه می‌دهد: «قاضی پس از استعلام از سوابق فردی که همنام من بود با تغییر نامم موافقت کرد و در حال حاضر با حکم دادگاه برای تغییر نام به ثبت‌احوال آمده‌ام.» بهاره که یک نویسنده است، می‌گوید: «نام شناسنامه‌ام طاهره است، اما والدینم از همان کودکی بهاره صدایم می‌کردند.» او با اشاره به اینکه داشتن دو نام مشکلاتی را برایش ایجاد کرده است، ادامه می‌دهد: «چون از هر دو نامم استفاده می‌کنم، یعنی در جاهایی ناگزیر به استفاده از اسم شناسنامه‌ای‌ام هستم و در مجامع فرهنگی مرا به نام بهاره می‌شناسند در اکثر موارد با مشکل روبه‌رو می‌شوم تا جایی که برخی تصور می‌کنند ما دو خواهر هستیم.» بهاره به گفته خودش برای تغییر نام ابتدا به سازمان ثبت‌احوال مراجعه می‌کند که به دلیل آنکه اسم شناسنامه‌ای‌اش جزو اسامی مذهبی بوده با تغییر آن موافقت نمی‌شود. این‌بار اما وی به دادگاه می‌رود. دادگاه از او می‌خواهد استشهادیه‌ای را که در آن پنج‌نفر شهادت داده‌اند که وی را از کودکی به نام بهاره می‌شناخته‌اند با ذکر مشخصات و امضای شاهدان تحویل دادگاه دهد. پس از طی مراحل قضایی، سازمان ثبت‌احوال به‌عنوان خوانده پرونده به دلایلی همچون رایج‌بودن دواسمی در فرهنگ کشورمان که از جمله موجبات قانونی تغییر نام محسوب نمی‌شود و اینکه خواهان ۳۵سال با نام شناسنامه‌ای خود شناخته شده و با هدف حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها... با درخواست او مخالفت می‌کند. اما سرانجام قاضی پرونده با توجه به مشکلات ناشی از دو اسمی‌بودن برای این فرد در محیط کار و اینکه آثار فرهنگی منتشرشده از نامبرده همگی به نام بهاره - و نه طاهره- مشهور و معروف شده است و به لحاظ آزادی عقاید در جامعه اسلامی با صدور رای به این نویسنده اجازه تغییر نام می‌دهد.

جدول ۱۹۰۰

افقی:

۱- فراموش خانه- هرچیز بدیع و زیبا ۲- پیامبر خوش‌صورت- ضرورت- قالیچه، حصیر و مانند آن که در آستانه در پهن می‌کنند ۳- سیخ شبکه‌ای- عدد لگاریتمی- از القاب و عناوین اشرافی اروپایی ۴- گیاه رنگرزی- باردار ۵- پایتخت فراری! - ویتامین جدولی- قانون چنگیزی- حلقه سر طناب که در موقع بستن چیزی سر دیگر ریسمان را از آن می‌گذرانند تا محکم شود ۶- هوش و حافظه- بر حسب تصادف- جام معروف- مساوی ۷- تنش- قابل تا شدن و جمع‌شدن- ریسمان ۸- کیسه‌ای از جنس قالی و گلیم برای حمل اشیای کوچک- گاری- از صفات باریتعالی ۹- یافتنی در معدن- همه کروموزم‌های گوناگون که در هسته سلول‌های یک گونه‌ای معین یافت می‌شوند- اسب اصیل و نجیب ۱۰- حرف ندا- صابون- گیاهی آپارتمانی که به آن «نخل دم اسبی» می‌گویند- رنگین‌کمان ۱۱- گل ناشکفته- از ورزش‌های رزمی- صنعت- فتنه‌جو ۱۲- آزمون بزرگ و سرنوشت‌ساز- فراموشی ۱۳- حشره‌ای شبیه سنجاقک با بدنی کلفت‌تر از آن- روزگار- اثری ادبی از «امیل زولا» ۱۴- گرداب- زمین بایر فاقد مالک- شجاع ۱۵- خیالی و غیر واقعی- لیگنیت

عمودی:

۱- روزنامه معروف و قدیمی چاپ پاریس- مجاز از حلال مشکلات ۲- ناحیه صنعتی آلمان- معدل- منزل ۳- گرفتار و دربند- صنف- خلاصه گفتار یا نوشتار ۴- بدبخت و بینوا- آخر و انتها- گروهبان نیروی دریایی ۵- موسسه‌ای که کار چاپ و انتشار کتاب را بر عهده دارد- از وسایل آرایشی- خودپسندی ۶- حمام بخار- سهل‌وساده- لطیفه ۷- پایانی و نهایی- ششلول- روحانی زردشتی ۸- نور دهنده- ترکیبی آلی مشتق شده از اسید استیک که به‌عنوان حلال صنعتی به‌کار می‌رود- دارو ۹- علامت مفعولی- آسیای آبی- کودک شش تا دوازده‌ساله ۱۰- سرزمین بلقیس- کشته شده در راه خدا- تخس ۱۱- نمایشنامه- از غلات- بسنده ۱۲- نوعی جت بمب‌افکن آمریکایی- فرورفته بر اثر فشار- شترمرغ یانکی‌ها ۱۳- جمعه- تر و تازه و شاداب- صدای حزن‌آلود ۱۴- پایین- مجاز از پدیده‌ها، رویدادها یا عامل‌های ناگوار و خوشایند- پدربزرگ ۱۵- نامه پست هوایی- پالتو کوتاه مردانه با یقه بسته.

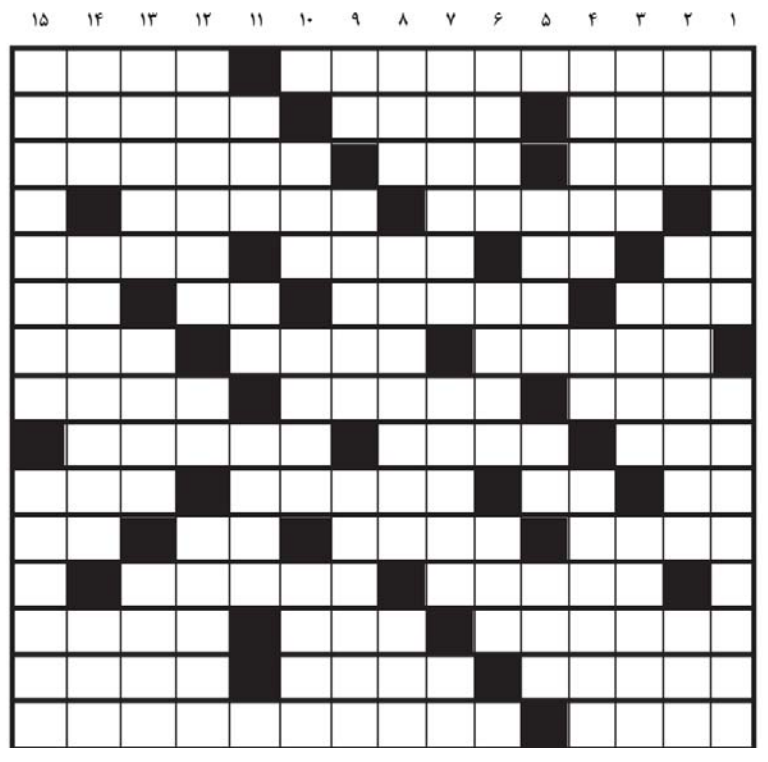

سودوکو سخت ۵۵۲

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۹				۶			۷	
			۲			۵	۴	
	۵		۳	۱				
		۸				۶		
						۹		
	۳							۸
		۳	۷				۹	
	۲							۶
			۴		۹	۷		

حل سودوکو سخت

۴	۱	۸	۶	۵	۹	۲	۷	۳
۶	۷	۹	۱	۳	۲	۵	۸	۴
۲	۵	۳	۷	۸	۴	۹	۶	۱
۷	۲	۱	۵	۶	۸	۴	۳	۹
۹	۴	۶	۳	۷	۱	۸	۵	۲
۵	۳	۷	۸	۹	۴	۶	۱	۷
۱	۶	۲	۹	۴	۷	۳	۲	۵
۳	۸	۴	۲	۱	۶	۷	۹	۸
۸	۹	۵	۴	۲	۳	۱	۶	۷

حل سودوکو ۹۰۲

سودوکو ۹۳۰

		۴			۶		۸	۹
۸			۷				۵	۳
			۹		۲			
	۱	۷						۶
							۴	
۵	۶				۷		۹	
			۶	۳	۵		۲	۴
						۳	۱	
					۸		۷	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.
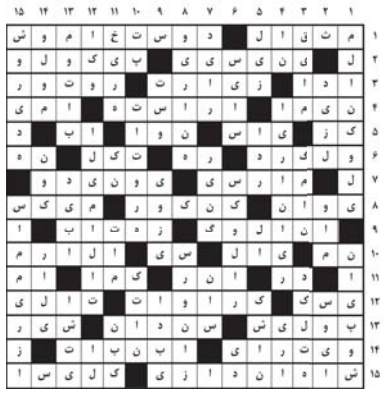
جدول ۱۸۹۹